

فصلنامه خط اول

رهیافت انقلاب اسلامی
سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۸
صفحه ۸۱ تا ۹۸

جایگاه و تأثیر کتاب «کشف اسرار» امام خمینی (ره) در تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران

دکتر ناصر جمالزاده عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)
میشم آقاداتی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده:

امام خمینی (ره) پس از نگارش کتابهایی نظیر شرح دعای سحر، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، شرح چهل حدیث، سر الصلاة و آداب الصلاة، در فضای دهه ۱۳۲۰ به نگارش کتاب کشف اسرار پرداختند که ردیه‌ای بر جزوه اسرار هزار ساله علی اکبر حکمی زاده می‌باشد. اهمیت این کتاب از لحاظ قوت پاسخ‌دهی به شبهات سیاسی مذهبی با توجه به فضای رخوت و خفقان سیاسی و مذهبی دهه ۲۰ و طرح مسأله ولایت فقیه در این کتاب و مطرح شدن آن به عنوان سند مبارزاتی امام خمینی، از جمله مواردی است که جایگاه آن را در تحولات سیاسی، مذهبی تاریخ معاصر ایران نمایانده است. در این مقاله باروش توصیفی تحلیلی سعی در تبیین این جایگاه شده است.

کلید واژه: امام خمینی (ره)، کتاب کشف اسرار، علی اکبر حکمی زاده، اسرار هزار ساله، شبهات و هابیت، ولایت فقیه.

مقدمه:

کتاب کشف اسرار امام خمینی (ره) مهم‌ترین و قدیمی‌ترین سند مبارزاتی ایشان است که در سال ۱۳۲۳ هـ.ش به مباحث توحید، امامت، روحانی، حکومت، قانون و حدیث پرداخته است. رژیم پهلوی با هدف خاموش کردن این شعله الهی، دست به اقدامات متعددی زد که از جمله آن، ممنوع اعلام کردن کتاب و مجرم خواندن نویسنده و جرم خواندن دارنده کتاب می‌باشد.

در فضای خفقان سیاسی و رخوت مذهبی که در دهه ۱۳۲۰ ایجاد شده بود، جواب دادن به سؤالات و شبهاتی که آمیخته به صدها توهین و تمسخر آموزه‌های دینی و متدینین بود، کاری بس مشکل می‌نمود که تنها کسی مثل امام خمینی قادر به انجام آن بود. در این نوشتار با روش توصیفی، تحلیلی سعی شده است ابتدا با معرفی کتاب کشف اسرار و جزوه اسرار هزار ساله، و توصیف فضای سیاسی و مذهبی دهه ۱۳۲۰، با توجه به اسناد و مدارک موجود از ساواک و شهربانی رژیم پهلوی، جایگاه این کتاب در تاریخ معاصر ایران بازگو شود. از آنجا که اسناد موجود در ساواک و شهربانی به عنوان مهم‌ترین منبع در این زمینه محسوب می‌شود، لذا با دسته‌بندی موارد آن به توضیح مطالب پرداخته شده است.

۱- معرفی کتاب کشف اسرار امام خمینی (ره):

این کتاب اثری سیاسی، عقیدتی و اجتماعی است که در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی (۱۳۶۴ هـ.ق) یعنی دو سال پس از عزل رضاخان از سلطنت نوشته شده است.^۱ امام خمینی در این اثر به شبهات و تبلیغات ضد دینی و ضد روحانی جزوه «اسرار هزار ساله»، پاسخ گفته و به استناد حقایق تاریخی، ضمن طرح و نقد آرای فلاسفه یونان قدیم، فلاسفه اسلام و فلاسفه معاصر غرب، بر حقانیت تشیع و نقش سازنده روحانیت اسلام تأکید ورزیده است. در همین کتاب، اندیشه حکومت اسلامی و ولایت فقیه در عصر غیبت مطرح شده است و به تفصیل، سیاست‌های ضد ملی و لائیک رضاخان و همفکران او در ممالک اسلامی (در آن زمان) افشا شده است.^(۱) از آنجا که تاریخ ولادت امام خمینی مطابق با اول مهر ۱۲۸۱ هجری شمسی می‌باشد^(۲) به هنگام نگارش این کتاب، ایشان حدود ۴۲ ساله بوده‌اند. گرچه امام خمینی قبل از نگارش این کتاب، کتب دیگری مثل شرح دعاء السحر (در سال ۱۳۰۷ هـ.ش) مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية (در سال ۱۳۰۹ هـ.ش) شرح چهل حدیث (در سال ۱۳۱۸ هـ.ش) سر الصلاة (در سال ۱۳۱۸ هـ.ش) و آداب الصلاة (در سال ۱۳۲۱ هـ.ش) را نگاشته‌اند، ولی اولین اثری که صبغه اجتماعی و سیاسی بیشتری دارد، کتاب کشف اسرار است. این کتاب با توجه به ناشناخته بودن آن در جامعه علمی کشور - که البته به خاطر عدم تجدید چاپ آن می‌باشد - تأثیر عمیقی در تاریخ تحولات سیاسی معاصر گذاشته است. گرچه امام خمینی نظریه ولایت فقیه را به صورت مفصل تری در کتاب «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه» بیان می‌کند که

به صورت سلسله درس‌هایی در نجف اشرف در سال ۱۳۴۸ هـ.ش بیان شده است، لکن ریشه‌های مبحث ولایت فقیه را در کشف اسرار می‌توان جستجو کرد. این کتاب، در چاپ اول بدون نام نویسنده - که به درخواست امام بوده است - چاپ می‌شود.^۲

۱-۱. فضای سیاسی دهه ۱۳۲۰

بعد از اخراج رضا شاه از ایران، قدرت سیاسی از حالت تمرکز سابق خود، خارج و بین نهادهای مختلف، پخش گردید. نخبگان پس از دوره رضاخان به طور عمده به دو دسته تقسیم شدند: کسانی که در دوره رضا شاه از قدرت کنار گذاشته شده، انزوا گزیده و خانه نشین شده بودند. اینان از مطرود بودن، عدم همکاری با رضا شاه، یا اذیت و آزاری که در دوران رضا شاه متوجه آنها شده بود، به منزله دلیلی بر پاکدامنی یا تعهد حقیقی به مشروطیت و در نتیجه محق بودن خود به برخورداری از موقعیت‌های پراهمیت در دوره جدید بهره جستند. دسته دوم کسانی بودند که جزء نخبگان همکار رضا شاه جای می‌گرفتند. شاه جوان در میان این نخبگان حاکم قرار داشت. از قوه قضائیه که بگذریم، نخبگان رقیب در مجلس، دولت و دربار سلطنتی آرایش یافتند و با یکدیگر رقابت جدی کردند. در عین حال سفارت‌خانه‌های انگلیس، شوروی و امریکا نیز رفته رفته به موقعیتی دست یافتند که می‌توانستند توزیع و غیر شخصی شدن قدرت سیاسی که در اثر برکناری رضاخان از قدرت سیاسی، بروز کرده بود، کشور شاهد تعامل در چارچوب نخبگان باشد و از این رهگذر با کاسته شدن از خشونت بر میزان ثبات سیاسی کشور افزوده شود؛ اما آنچه در عالم واقع صورت پذیرفت، غیر از توقعی بود که انتظار می‌رفت. (۴) جدای از بررسی وضعیت نخبگان، تأمل در شرایط سیاسی آن زمان نیز مشخص می‌سازد که نه نهضت و حرکتی در سطح کشور به چشم می‌خورده که امام خمینی را تحت تأثیر خود قرار داده باشد و نه ایشان در محیطی می‌زیسته که اگر جسته و گریخته، جنب و جوشی در گوشه و کنار به وقوع پیوندد، بتواند در ایشان مؤثر باشد و نه کتابها و نشریات اسلامی - انقلابی و سیاسی که امروز کم و بیش در دسترس قرار دارد، در آن روز یافت می‌شده است. (۵) پایان یافتن، دیکتاتوری رضاخان و به تاج و تخت رسیدن شاه کم تجربه و جوان (محمدرضا) شرایطی را فراهم آورده بود که در آن، آزادی‌های بیشتری احساس می‌شد و این، فرصت خوبی بود که حضرت امام خمینی (ره) کتاب خویش را به رشته تحریر در آورند. (۶)

۲-۱. فضای مذهبی دهه ۱۳۲۰:

امام خمینی در این زمان در حوزه علمیه خفقان بار و ضربه خورده قم می‌زیست که سکوت مرگبار این حوزه در برابر بیدادگری‌ها و قانون شکنی‌های رضاخان اثرات منفی و نامطلوبی در روحیه بسیاری از محصلین آن گذاشته بود. (۷) پیشوایان روحانی با تمام نیرو می‌کوشیدند که از هر چیزی که کوچکترین ربطی به دولت و هیأت حاکمه دارد پرهیزند و آن را تحریم نمایند: مدارس دولتی حرام است.

رادیو، تلویزیون و روزنامه که در دست دولت قرار دارد، حرام است. گرفتن پست و مقام دولتی، حرام است. عقد و ازدواج در دفاتر دولتی حرام است و...^۳ ولی از نهضت و حرکت و مبارزات مثبت خبری نبود و دخالت در سیاست نادرست و نامشروع پنداشته می شد!

دستگاه تبلیغاتی استعمار، امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده آن، در به وجود آمدن این گونه اندیشه‌های غیر اسلامی نقش مهمی داشتند و با شعار «تفکیک دین از سیاست» به انحراف توده‌ها از راه انقلابی اسلام کمک می کردند و دخالت یک مقام روحانی و آگاه را در امور دولتی و کشوری به اسم دخالت در سیاست، ناموزون و زشت جلوه داده با بر چسب «آخوند سایی» او را در میان مردم، ساقط و بی‌آبرو می ساختند و منزوی و ایزوله می کردند. قائد بزرگ اسلام، این کج اندیشی‌ها، کج روی‌ها و انحرافات زندگی سوز را از نزدیک می دید و اثر انگشت استعمار را در لابلای آن مشاهده می کرد و بر خود لازم می دید که در برابر این سیاهی‌ها و تباهی‌ها به پا خیزد و دامن سیاهی را شکافته، به سوی نور و روشنایی و خورشید فروزان اسلام نقبی بزند و روزنه‌ای ایجاد کند و جامعه‌ی خواب‌رویده را بیدار ساخته، به راه راستین و اصیل اسلامی، راهبری نماید. (۸)

۳-۱. بررسی جزوه «اسرار هزار ساله» علی اکبر حکمی زاده

پس از شهریور ۱۳۲۰، برخی در برابر موج ویرانگر هجوم افکار الحادی و خرده گیری‌هایی که به دین می شد، برای خلع سلاح کردن مخالفان و پیش دستی بر آنها و جذب جوانان مذهبی مسئله دار به سوی خود در یک واکنش دفاعی به نوشتن کتاب‌هایی در بیان ضعف‌های تفکر مذهبی پرداختند تا از موضع مترقیانه‌ای، از دین دفاع کنند. یکی از آنها شریعت سنگلجی و دیگری حکمی زاده (فرزند حاج شیخ مهدی قمی پایین شهری) بود که کتاب اسرار هزار ساله را نوشت و یا حتی احمد کسروی. نویسنده اسرار هزار ساله، طلبه مدرسه علمیه رضویه بود که در آنجا حجره داشت و شیخ مهدی حکمی زاده معروف به آیت الله شیخ مهدی پایین شهری (پدر وی) نیز متصدی مدرسه بود، تنها مدرسه‌ای که پیش از تأسیس حوزه قم، در این شهر به ریاست وی وجود داشت. شیخ مهدی حکمی زاده پایین شهری، دوست آیت الله حائری مؤسس حوزه قم، و از عوامل دعوت ایشان به قم برای تأسیس حوزه بود. حاج شیخ مهدی، شوهر خواهر سید محمود طالقانی بود که او هم در مدرسه رضویه حجره داشت. آقای طالقانی و حکمی زده و آقای بدلا، تشکل دینی کوچکی را سامان داده و مجله‌ای به نام «همایون» منتشر می کردند. مسئول مالی مجله، آقای همایون بود و صاحب امتیاز آن حکمی زاده. علی رغم آنکه مجله، هیأت تحریریه داشت، حکمی زاده به عنوان صاحب امتیاز اعمال نفوذ می کرد و مطالبی نوشت که توافقی با سایرین نداشت و منجر به کناره گیری آنها گردید و لذا مجله پس از یکسال تعطیل شد. پدر آقای سید محمود طالقانی، سید ابوالحسن طالقانی نام داشت

و جد حکمی زاده بود و در تهران جلساتی داشت. او عالمی وارسته بود، از وجوه شرعی استفاده نمی‌کرد و با شغل ساعت سازی گذران می‌کرد، چون استفاده از ساعت در آن زمان رایج نبود و افراد متمول و صاحب منصب از آن استفاده می‌کردند و ساعت‌های خود را برای تعمیر، نزد وی می‌آوردند، اجرت خوبی هم می‌پرداختند. سید ابوالحسن طالقانی چون مبالغ زیادی از این رهگذر درآمد داشت انفاق می‌کرد جلسات تدریس او در منزل حاج عباسقلی بازرگان (پدر مهندس مهدی بازرگان) تشکیل می‌شد که از تجار معتبر بود. برخی افراد مانند کسروی نیز در آن جلسه شرکت می‌کردند که چون از پیش مسأله فکری داشتند بر برخی از افراد کلاس تأثیر نامطلوب می‌گذاشتند. حکمی زاده که به تهران رفته بود و در آن جلسات با احمد کسروی آشنا شد و گاهی با او به حجره دوستانش در قم می‌رفت که قبلاً در جریان انتشار مجله همایون از حکمی زاده کناره‌جویی کرده بود. حکمی زاده وقتی در قم زندگی می‌کرد، در مورد اعمال و رفتار خود، بسیار مقید بود و زیر زبانش ریگ می‌گذاشت تا بدون فکر سخنی نگوید و دچار لغو‌گویی نشود، فردی بسیار متعصب و بدبین بود و خانواده‌اش از این روحیه او به سختی تحت فشار بودند. چندان که وقتی حکمی زاده به سفر می‌رفت، هیچ کس حق تماس گرفتن با خانواده او را نداشت به گونه‌ای که وقتی او در سفر بود، و همسرش باردار بود نتوانسته بود قابله‌ای را با خبر کند و لذا فرزندش از دنیا رفته بود. اما او وقتی به تهران رفت، شاید به خاطر ارتباط با افراد متمول و صاحب منصب یا دوستانی چون کسروی و حضور در محیط بی‌بند و بارانه تهران، روحیه‌اش دگرگون شده و از تفریط به افراط کشیده شده بود. سخنان کفرآمیز می‌گفت و رفت و آمد به خانه‌اش را سخت نمی‌گرفت. روزی دوستش آقای بدلا این همه تغییر را مورد سؤال قرار داد و حکمی زاده گفت: «در آنجا قم بود و من هم پسر آقای شیخ مهدی حکمی زاده، ولی اینجا تهران است و من هم حکمی زاده‌ام و رفت و آمد زنان را هم که در خیابان‌های تهران مشاهده می‌کنی» (۹)

نویسنده جزوه اسرار هزار ساله در چندین جای جزوه، هدف اصلی نگارش آنرا، زدودن انحرافات از جامعه دینی می‌داند و با اشاره به رفتار و اعتقاد دو گانه مردم ایران، سعی در بیان تحریفات (که به زعم خود) در دین صورت گرفته است، مینماید. این جزوه در واقع شرح تفصیلی ۱۳ پرسشی است که در آغاز سال ۱۳۲۲ هـ.ش برای روحانیون و اهل اطلاع فرستاده و پاسخ درخواست کرده است، ولی پاسخی نیامده است. (۱۰) البته انجمن تبلیغات اسلامی هم در اردیبهشت ۱۳۲۲ بیان می‌دارد که پاسخ آن را می‌دهد ولی جوابی نمی‌دهد. پس از آن حکمی زاده بر آن شد تا پرسش‌های سیزده گانه را با کمی تغییر، همراه با توضیحاتی در جزوه‌ای منتشر کند. جزوه مذکور در فضایی نوشته شده است که شبهات و حملات افراد مختلفی نظیر احمد کسروی و سنگلجی - که غالباً بر گرفته از شبهات اعتقادی وهابیان است - به دین مقدس اسلام رو به فزونی است. شبهات و سؤالاتی که در این جزوه، مطرح شده است، عبارتند از: «۱- حاجت خواستن از پیغمبر و امام و شفا خواستن از

ترتیب و سجده کردن بر آن و ساختن این گنبد و بارگاه‌ها، شرک هست یا نه؟ اگر هست بگوئید و اگر نیست خواهشمند است اول معنای شرک را بیان کنید تا ببینیم آن شرکی که این همه اسلام و قرآن با آن جنگیده، با اینها چه فرق دارد؟ ۲- آیا می‌توانیم به وسیله استخاره یا غیر آن به خدا راه پیدا کنیم و از نیک و بد آینده با خبر شویم یا نه؟ اگر می‌توانیم پس باید از این راه، سودهای خیلی بزرگ مالی و سیاسی و جنگی ببریم و از همه دنیا جلوتر باشیم، پس چرا مطلب، به عکس شده است؟ ۳- اگر امامت اصل چهارم از اصول مذهب است و اگر چنانچه مفسرین گفته‌اند، بیشتر آیات قرآن ناظر به امامت است، چرا خدا چنین اصل مهم را یکبار هم در قرآن صریح نگفت؟ ۴- مزد هر کاری بسته است به کوششی که برای آن کار می‌شود و سودی که از آن به دست می‌آید. پس این احادیثی که می‌گویند ثواب یک زیارت یا عزاداری یا مانند آنها برابر است با ثواب هزار پیغمبر یا شهید، (آن هم شهید بدر) درست است یا نه؟ ۵- اینکه می‌گویند مجتهد در زمان غیب (غیبت امام زمان (عج)) نایب امام است، راست است؟ اگر راست است حدودش چیست؟ آیا حکومت و ولایت نیز در آن هست یا نه؟ ۶- اگر روحانی خرج خود را به وسیله کار کردن یا از یک راه ثابت و معین دیگری به دست آورد که در گرفتن حقایق آزاد باشد، بهتر است یا مانند امروز خرج خود را بی‌واسطه از دست توده بگیرد و ناچار شود به میل آنها رفتار کند؟ ۷- اینکه می‌گویند دولت، ظلمه است یعنی چه؟ آیا مقصود این است که دولت چون به وظیفه‌اش رفتار نمی‌کند، ظالم است؟ یا مقصود این است که دولت باید به دست مجتهد باشد؟ ۸- اینکه می‌گویند مالیات حرام است یا نه؟ ۹- آیا بشر حق دارد برای خود قانون وضع کند یا نه؟ اگر دارد آیا اطاعت چنین قانونی واجب است یا نه؟ ۱۰- این مسلم است که هم در قرآن و هم در حدیث ناسخ و منسوخ زیاد است و علت این تغییر هم، البته رعایت اقتضای زمان است. حال در جایی که در یک محیط آن هم در یک زمان کمی، قانون برای رعایت زمان عوض شود، آیا ممکن است در همه روی زمین، تا آخر دنیا عوض نشود؟ بعلاوه اینکه می‌گویند همه قوانین اسلام برای همیشه است؟ ۱۱- چنانچه گفته‌اند، این احادیثی که امروز در دست ماست، ظنی است و عقل هم این را نمی‌پذیرد که خدای عادل و قادر، اشرف مخلوقات خود را به چیزی امر کند و راه علم به آن را هم بر رویش ببندد. ۱۲- احادیث بسیاری رسیده که با علم و عقل و زندگی و بلکه گاهی با حس نمی‌سازد و در عین حال، سندشان هم صحیح است، مانند احادیث گاو، ماهی، جابلقا... اینها را چه باید کرد؟ ۱۳- به نظر شما علت اینکه امروز، مردم به دین بی‌علاقه شده‌اند، چیست؟»

اگرچه جزوه مذکور حاوی این سؤالات مبنایی در آخر آن می‌باشد، لکن نویسنده، در جای جای اثر خود و به مناسبت‌های مختلف، اعتقادات شیعه را به باد تمسخر می‌گیرد و به بهانه زدودن انحرافات و تحریفات در دین اسلام، منکر بسیاری از حقایق مکتب تشیع شده است. جزوه مذکور در ۶ گفتار تنظیم شده است که عبارتند از: توحید، امامت، روحانی، حکومت، و حدیث. مشکل

بودن پاسخ دادن کامل و تخصصی به این سؤالات و شبهات و نیز فضای نامناسب تاریخی دهه ۱۳۲۰ که اشاره شد، از جمله دلایل ترس از جوابگویی بوده است.

به اذعان حکمی زاده کسی به پرسشهای او جواب نداده است و لذا بر آن شده است که سؤالات خود را با کمی توضیح، منتشر کند. (۱۱) ظاهراً به غیر از امام خمینی (ره) - با وجود درد چشمی که داشتند - کسی حاضر به نوشتن ردیه علیه این جزوه برنیامده است و تنها امام خمینی با تعطیل کردن تقریباً ۲ ماه از تدریس خود، به جواب گویی آن همت می‌گمارد. البته آقای باقی می‌گوید: افراد متعدد از جمله برخی از ائمه جماعات به پاسخ گویی پرداختند. این پاسخ‌ها چندان ضعیف و غیر منطقی بود که خود موجب شبهات و تشتت افکار می‌گردید. یکی از کسانی که پاسخی نوشته و برای چاپ به قم فرستاده بود، حاج شیخ محمد خالصی فرزند آقا شیخ مهدی خالصی بود که (جزو مراجع نجف به شمار می‌رفت و در جریان مبارزه علیه انگلیسی‌ها به همراه آقایان سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی و... به ایران تبعید شده بودند) در کاشان به سر می‌برد... وقتی به امام توسط برخی از دوستانش پیشنهاد نوشتن ردیه می‌شود، همه کارها را تعطیل می‌کند و یکسره به نوشتن آن می‌پردازد و چون آن را به مجمع ارائه داد، همگان آن را پسندیدند و قرار شد از چاپ سایر کتب جلوگیری شود تا تشتت بیشتر افکار نگردد و فقط این جوابیه منتشر گردد.

۱-۳-۱- توضیح محتوایی جزوه: در مورد وجه تسمیه و علت نام‌گذاری جزوه به (اسرار هزارساله)، حکمی زاده بیان می‌کند: «می‌گویند هر که را اسرار حق آموختند، مهر کردند و زبانش دوختند» می‌گویم این چگونگی اسراری است که تنها به مردمان زود باور و بی‌سواد حق دارید بگویند و نشان دهید ولی پای مردمان دقیق و کنجکاو که به میان می‌آید، انگار جزء اسرار می‌شود. اگر سر است به هیچ کس نباید گفت و اگر نیست، باری یکبار آن را در چنین مجلسی آشکار کنید» (۱۲) در واقع نویسنده بصورت کنایه‌ای بیان می‌کند که بسیاری از دستورات مذهبی به مثابه خرافات هزار ساله جلوه کرده است و او خواسته است که راه حلی برای آن بیابد. در جای دیگر، نویسنده به علت آن اشاره می‌کند و می‌گوید:

ملا اگر از قطع نان خود نمی‌ترسید، این اسرار در پشت پرده نمی‌ماند. (۱۳) وی کتاب خود را کتابی می‌داند که کلمه‌ای برخلاف حقیقت ننوشته است و خیلی از گفتنی‌ها را هم نگفته است (۱۴) وی معتقد است، آن چیزی که مردم نام دین بر آن نهاده‌اند، ۹۵ درصدش گمراهی است و با این پیش فرض در چند جای جزوه با اشاره به تحریفاتی که در دین اسلام شده است، سعی در تشریح آنها می‌نماید. وی می‌گوید مسلمانان به محتوای دین واقعی عمل نمی‌کنند ولی ادعای مسلمانی دارند و در واقع رفتار و اعتقاد مردم ایران، دو گانه است؛ لذا اولین کمک به دین، از بین بردن، دروغهایی هزارساله است. روش وی در این گفتار بدین نحو است که ابتدا شبهه را مطرح می‌کند و سپس جواب‌هایی به غلط از جانب متدینین مطرح می‌نماید و بصورت پرسش و پاسخی خواننده را

مجدوب نوشته خود می‌کند. وی احادیثی از کتب روایی بدون تحلیل و بررسی و منبع ذکر می‌کند. در «گفتار یکم: خدا» موضوعات زیرا را بررسی می‌کند: تفویض اختیار به امامان و امام زادگان در دین، شرک خواندن اعتقادات وارد در زیارت جامعه کبیره و حمله به مجلسی و کتب اربعه شیعه، تعریف شرک و به زعم خود، غیب ندانستن پیغمبر، نفی شفا بودن تربت امام حسین و تمسخر آن، نفی گنبد و بارگاه، حمله به عدل الهی، نفی ثواب و عزاداری، تمسخر استخاره، نفی ضریح ساختن بر قبور ائمه، رد کردن خمس و زکات، تفکیک راه خدا از کار خدا، رد تقلید جاهل از عالم، بیان دل بستگی به خرافات به عنوان علت عقب ماندگی ایرانیان.

در گفتار دوم، در باب امامت به مباحث ذیل می‌پردازد: رد بالاتر بودن مقام امامت از نبوت، رد مصحف فاطمی، توهین به حضرت علی (ع) و عدم درک علت نیامدن اسامی ائمه در قرآن، رد باب الحوائج بودن ائمه و شفا دادن آنها، رد امامت در غیر زمان خودشان، توهین غیر مستقیم به مردم. در گفتار سوم، در باب روحانی به این مباحث می‌پردازد: رد جانیشینی فقیه در زمان غیبت، انکار تقلید از مجتهد زنده، حمله به دسته‌های عزاداری امام حسین، پیشنهاد صرف قسمتی از موقوفات در راه خرجی حوزه، اذعان به اینکه دولت نباید در کار روحانیت دخالت کند، تمسخر احکام آب و طهارت، انتقاد از عوام به خاطر بستن چشم و گوششان. در گفتار چهارم، در باب حکومت می‌گوید: اسلام برای حکومت، هیچ دستوری ندارد، هم چنین: انتساب حدیث (کل رایه ترفع قبل...) به دین بدون توضیح صحیح آن، رد استحباب زیارت، تفسیر اشتباه از خمس و توهین به امام زمان، بت‌خانه خواندن حرم حضرت معصومه در قم، گدا پروری خواندن در اختصاص خمس به سهم سادات، رد ادعاهای اسلام مبنی بر اداره کردن جهان، توهین به زائران، تعریف از فروش اوقاف رضا شاه. در گفتار پنجم، در باب قانون ادعا می‌کند: قانون شرع همه احتیاجات امروزی ما را پاسخگو نیست و در گفتار ششم، در باب حدیث، بدون آگاهی صحیح، به تقسیم‌بندی احادیث می‌پردازد و بسیاری از آنها را رد می‌کند.

۴-۱. بررسی محتوایی کشف اسرار امام خمینی (ره)

کتاب کشف اسرار با هدف پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات موجود در جزوه اسرار هزارساله تألیف شده است و از این باب که توان پاسخ‌گویی به شبهات روز جامعه را دارد، بسیار حائز اهمیت است.

مرحوم حجت الاسلام سید احمد خمینی درباره چگونگی تدوین کشف اسرار توسط حضرت امام، خاطره زیر را نقل کرده‌اند:

حضرت امام فرمودند: یک بار در حال رفتن به مدرسه فیضیه مشاهده کردم که عده‌ای دارند راجع به کتاب اسرار هزار ساله بحث می‌کنند. ناگهان به ذهنم آمد ما داریم درس اخلاق می‌گوییم، حال آنکه این بحث‌ها در حوزه‌ها نفوذ پیدا کرده است. امام تصمیم می‌گیرند، از وسط

مدرسه فیضیه برگشته و دیگر به درس نمی‌روند و طی یک ماه تا چهل روز تقریباً همه کارها را کنار می‌گذارند و کتاب کشف اسرار را می‌نویسند. (۱۵)

توجه به اصل تکلیف بعنوان یکی از اصول ثابت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مطرح می‌باشد که نمود آن را با توجه به این خاطره، می‌توان در روح کتاب کشف اسرار مشاهده نمود.

۱-۴-۱. **سیر کلی مباحث کتاب:** امام خمینی بر اساس تبویب و قسمت بندی جزوه‌ی حکمی زاده، کتابشان را در شش گفتار، توحید و امامت و روحانی و حکومت و قانون و حدیث و یک مقدمه تنظیم می‌کنند.

گفتار اول که با موضوع توحید است، به شبهات وهابیت در مورد اعتقادات تشیع پاسخ می‌دهند و در آن از نمونه آیات قرآنی و آراء حکما و فلاسفه استفاده می‌جویند. بیان شرک مجوس و ثنویت و معنی شرک، اثبات شرک نبودن حاجت خواستن از مردگان و شفا خواستن از تربت، توضیح معجزه پیامبران، غیبگویی، گنبد و بارگاه، شفاعت استخاره، بداء و بحثی پیرامون زیارت جامعه کبیره در گفتار اول بحث می‌شود. امامت که در گفتار دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد حاوی این مطالب است: اثبات امامت با قرآن و پنج دلیل در بیان اینکه چرا قرآن اسم امام را نبرده است، توضیح اخبار تقیه، توضیح احادیث منزلت، ثقلین، سفینه و... و توضیح تأثیر صفویه در حجم کتب تشیع و مطالب دیگر. گفتار سوم با عنوان روحانی شامل مباحث زیر است: دلیل حکومت فقیه در زمان غیبت، بحث تقلید از مجتهد زنده، موقوفات و روحانی، محافظه‌کار بودن روحانی و... در این گفتار بررسی می‌شود.

حکومت به عنوان گفتار چهارم نیز شبهه طاغوت بودن هر حکومتی قبل از قیام قائم، معنی دولت ظلمه و عدیل کفر بودن کار سلطان، جنگ و دفاع در اسلام، وظایف دولت و اشکالاتی که به حکومت دینی وارد است و پاسخ آنها را امام به نگارش در می‌آوردند. در گفتار پنجم، قانون نیز مقصود از وضع قانون بشر، شرایط قاضی در اسلام و مباحث معجزه و کرامت و شفا یافتن توضیح داده می‌شود. در گفتار آخر کتاب کشف اسرار با نام حدیث نیز، امام خمینی با تبیین ناسخ و منسوخ، عقلاً اثبات می‌کنند که نسخ در احکام اسلام راه ندارد. علاوه بر آن، توضیحاتی پیرامون چگونگی قوانین اسلام، معنی تأویل، فرق اخبار احادیث با تاریخ و اینکه چرا مردم به دین بی‌علاقه شده‌اند در پی آن می‌آید.

۱-۴-۲. **طرح موضوع ولایت فقیه:** در این کتاب طرح اولیه ولایت مطلقه فقیه و حکومت اسلامی به وضوح به چشم می‌خورد و اهمیت ویژه کتاب کشف اسرار نیز به همین خاطر است، اما باید اذعان داشت که بسیاری از صاحب نظران و مؤلفین، یا اساساً اهمیت این کتاب را نادیده گرفته‌اند و یا توجه کافی را به آن مبذول نداشته‌اند و به همین خاطر شروع طراح‌ی و ارائه‌ی

نظریه ولایت فقیه را به دروس امام در نجف و مجموعه گفتارهای ولایت فقیه ایشان در سال ۱۳۴۸ نسبت داده‌اند.

امام ضمن رد اتهاماتی که به علما در این جزوه آمده است، حمله‌های تندی نیز علیه رژیم پهلوی به ویژه رضاخان داشتند هم چنین در بخش‌هایی از این کتاب، مطالبی آمده است که مربوط به اندیشه سیاسی ایشان می‌شود. «آنچه برای برخی افراد، ایجاد سؤال کرده، همین مطلب است؛ چرا که در پاره‌ای از این مطالب به نظر می‌رسد حکومت سلطنتی مورد تأیید قرار گرفته و امام معتقد است علما از قدیم الایام، با آن همکاری داشته‌اند، و در پاره‌ای از موارد حکومت سلطنتی به شرط نظارت اسلامی به جای آن پیشنهاد شده است. نظریه اخیر بعدها از سوی امام شرح و بسط بیشتری یافت و با تشکیل نظام جمهوری اسلامی وارد مرحله نوینی شد.» (۱۶)

این سه نظریه چگونه با یکدیگر قابل جمع است؟ آنان که کشف اسرار را در تبیین اندیشه سیاسی امام از این جهت که پاره‌ای از افکار مطرح شده در این کتاب با مبحث ولایت فقیه قابل جمع نیست، نادیده می‌گیرند، کار درستی نمی‌کنند، بلکه عظمت امام این است که اصالت فکرش را در کشف اسرار هم بتوانیم نشان دهیم.

آقای لک زایی می‌نویسد: «به دو روش می‌توان چرایی تحول اندیشه سیاسی حضرت امام را توضیح داد: یکی به طریق طبقه‌بندی محتوای اندیشه سیای اسلام، و استفاده از روش گفتمان سازی در حوزه اندیشه سیاسی و دوم از طریق فهم مکانیزم اجتهاد در مکتب شیعه و فضای حاکم بر استنباط احکام اسلامی. طبق روش «گفتمان‌سازی» تمامی محتوای اندیشه سیاسی اسلام را که توسط متفکران مسلمان ارائه شده است، می‌توان در سه گفتمان قرار داد: گفتمان تغلب، گفتمان اصلاح و گفتمان انقلاب. تمامی اندیشه‌هایی که در صدد توجیه نظام‌های سیاسی استبدادی بوده‌اند و برای آنها مشروعیت سازی می‌کرده‌اند، تحت عنوان گفتمان تغلب قرار می‌گیرند. آن دسته اندیشه‌ها که در صدد بهبود بخشیدن به اوضاع سیاسی و اجتماعی را از طریق مسالمت‌آمیز و تدریجی بوده‌اند، ذیل گفتمان اصلاح قرار می‌گیرند. اما اندیشه‌هایی که سودای تعویض نظام سیاسی داشته‌اند، سازنده گفتمان انقلاب می‌باشند. طبق این روش اندیشه سیاسی امام مرکب از گفتمان اصلاح و انقلاب است.»

به عبارت دیگر در اندیشه سیاسی ایشان دو دسته متفاوت قابل شناسایی است: بخشی که ذیل گفتمان اصلاح قرار می‌گیرد مانند نظریه اول و دوم که در کشف اسرار آمده است. اما در بخش‌های دیگر از قبیل نظریه سومی که در همان کتاب ذکر شد، و نیز آنچه بعداً با عنوان ولایت فقیه در کتاب البیع مطرح شد، در ردیف اندیشه‌های انقلابی امام قرار می‌گیرد. در حقیقت تحول اندیشه امام، حرکت اندیشه وی در میان این دو گفتمان است. گفتمان انقلاب زمانی که خلأ قدرت و بحران مشروعیت توسط حضرت امام احساس شد، به طور جدی مطرح گشت. در

واقع نظریه ولایت فقیه برای برطرف کردن بحران مشروعیت و خلأ قدرتی که پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و به دنبال آن، قضیه کاپیتولاسیون و تبعید امام در سال ۱۳۴۳ ایجاد شده بود، مطرح گشت.

روش دوم توضیح تحول در اندیشه سیاسی امام، توضیح فضایی است که فقها در آن فضا به ارائه‌ی نظریات و فتاوی‌ی خویش می‌پردازند. قبل از توضیح این روش، توجه به این نکته لازم است که دو دسته مسائل تشکیل شده است. دسته‌ای که ثابت است و از آن با عنوان اصول ثابت یاد می‌کنیم و مسائلی که متغیراند و در پناه آن اصول ثابت متناسب با شرایط زمانی و مکانی مختلف، جعل می‌شوند. مثلاً اصل «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» به فقیه اجازه می‌دهد بگوید روزه در صورتی که برای فرد ضرر داشته باشد نه تنها از حالت وجوب می‌افتد، بلکه حرام هم می‌شود و یا اصل قدر مقدور به فقیه اجازه می‌دهد مثلاً درباره نماز بگوید ایستاده بخوانید، اگر نمی‌توانید تکیه بدهید و بخوانید، و اگر این کار هم نمی‌توانید بکنید، نشسته بخوانید و... در بحث نظام سیاسی نیز اصول خاصی حاکم است. بر طبق این اصول هر قدر که بتوانیم در جهت کاهش ظلم و افزایش عدالت قدم برداریم، به همان میزان مکلفیم. بنابراین تمامی آنچه در اندیشه حضرت امام آمده است، همچون پذیرش سلطنت مشروطه نظارت فقها و هم چنین ولایت فقیه، موجه و قابل توضیح است. سلطنت مشروطه و حتی سلطنت عادلانه که حداقلی از ضرورت نظام سیاسی است، در یک سو قرار می‌گیرد و در طرف دیگر نظام سیاسی الهی است که معصوم یا نایب امام معصوم یعنی فقیه جامع‌الشرایط در رأس آن باشد و این حداکثر آرمانی است که می‌توان برقرار کرد. نمی‌توان گفت بخشی از این طیف در آغاز فعالیت امام مطرح شده بود و بخش دیگر در پایان یا اواخر عمر حضرت امام، بلکه تمامی آن در کشف اسرار بیان شده است.

در شرایطی که امکان ساقط کردن نظام سیاسی وجود ندارد، اندیشمند عاقل برای سقوط آن، ائتلاف وقت نمی‌کند، بلکه در اصلاح آن می‌کوشد. اگر فضا و شرایط برای سقوط حکومت مناسب باشد، نیز برای اصلاح آن وقت تلف نمی‌کند، بلکه در سرنگونی آن می‌کوشد. این دقیقاً چیزی است که حضرت امام (ره) در سیره عملی خویش آن را به نمایش گذاشت. (۱۷)

۲- تأثیر کتاب کشف اسرار در تحولات سیاسی، اجتماعی معاصر

در بررسی این تأثیر، به صورت متمرکز به بررسی اسناد ساواک و اسناد شهربانی پرداخته‌ایم، که در ادامه به موارد آن اشاره می‌رود.

۲-۱. بررسی تأثیر کتاب بر اساس اسناد ساواک:

۲-۱-۱. مجرم بودن نویسنده و جرم خرید و فروش کتاب: علاوه بر توضیح المسائل امام

خمینی، نامه‌ها و پیام‌ها و... کتاب کشف اسرار نیز توسط پیروان امام چاپ و منتشر شد. انتشار این کتاب در سال ۱۳۴۳ هـ.ش موجب شد ساواک از شهربانی تقاضا کند که از توزیع و فروش آن جلوگیری به عمل آورد. در سال ۱۳۴۶ هـ.ش که مجدداً این کتاب در برخی شهرها، مانند تهران و قم و آذربایجان مشاهده شد، دستور مجدد جمع‌آوری و شناسایی موزعین صادر شد. (سند شماره ۳۲۴/۸۱۹۶-۴۶/۳/۱۵) و فروشندگان کتاب تحت بازجویی، قرار گرفتند. (۱۸)

۲-۱-۲. **سختی‌های حفظ و فروش کتاب:** جلوگیری از توزیع و فروش کتاب توسط شهربانی در سال ۱۳۴۳، موجب شد مقلدان و طرفداران امام خمینی برای دریافت، خرید و فروش و حفظ کتاب، بسیار در تنگنا باشند، به نحوی که یکی از فروشندگان این کتاب، بر اساس آنچه در سند ساواک آمده است «کتب مذکور را در مغازه در زیر تختی که خودش روی آن می‌نشاند، بین کتاب‌های کهنه دیگر جا داده است. مشاراً الیه جلد اصلی کتابها را کنده، در عوض جلد مقوایی برای آنها درست کرده، تا کسی بلافاصله متوجه نام کتاب نشود، ضمناً شخص موصوف، این کتاب را به افراد مورد اطمینانش می‌فروشد». در روز بعد از اینکه یک نیروی ساواک، یک جلد آن کتاب را از کتابفروشی صابری خریداری بود «مغازه وی با انجام تشریفات قانونی بازرسی شد و تعداد ۵ جلد کتاب از کشف اسرار ۴۲۸ صفحه‌ای بدون جلد، به تاریخ چاپ (۱۵ ربیع الثانی ۱۳۶۳) که تقریباً ۲۵ سال قبل (از سال ۱۳۴۶) چاپ شده و نویسنده آن مشخص نیست و مفاد آن برخلاف مصالح کشور بوده، بدست آمده، آقای صابری اظهار می‌دارد: کتاب‌های مذکور از قدیم در کتابخانه وی بوده، فقط یک جلد از آن را به یک محصل علوم دینی به فروش رسانیده و ۳ جلد از کتاب‌ها را نیز به این ساواک تحویل نموده است که به پیوست تقدیم می‌گردد...» (۱۹) در سال ۱۳۵۱ تلاش‌های ساواک و شهربانی معطوف به شناسایی چاپخانه‌ها و دست‌اندرکارانی که مرتبط با کتب و عکس‌های امام بودند، شد.

۳-۱-۲. **کمیاب شدید کتاب:** علاوه بر اینکه اگر کسی کتاب کشف اسرار را نزد خود نگهداری می‌کرد، مجرم شناخته می‌شد، این کتاب در ایام محمدرضا شاه مخلوع، بسیار کمیاب بود و هم چنان هم به خاطر دلایلی نظیر حفظ وحدت شیعه و سنی کمیاب است. گرچه میتوان با دسته بندی جوابهای امام خمینی و توضیح آنها این کتاب را از غربت در آورد.

در سند ساواک آمده است: «... (فردی) اظهار می‌دارد: کتب مذکور را به علت اینکه قریب ۱۵ سال است در کتابفروشی ام می‌باشد، دقیقاً نمی‌دانم در چه موقع و از چه کسی خریداری نموده‌ام. ضمناً اضافه می‌نماید که کلیه کتاب‌های مغازه را از کتابفروشی‌های معتبر تهیه نکرده، بلکه اغلب از افرادی که کتاب‌هایی می‌خرند و پس از مطالعه به فروش می‌رسانند، من هم بیشتر از این کتابها (را) خریداری و سپس به فروش می‌رسانم. (۲۰)

۲-۱-۴. زیارت در عراق و آوردن کتاب به ایران: از آنجایی که هر اقدام کوچکی که با امام خمینی (ره) و یاران ایشان مرتبط بوده، برای ساواک مهم تلقی می‌شده است، لذا حتی شایعاتی را هم که درباره امام بوده است، دقیقاً در گزارش‌های خود منعکس کرده‌اند. از جمله در سند شماره ۲۰/۲۳۴ هـ ب به تاریخ ۴۹/۳/۱۹ که درباره تألیفات آیه الله خمینی است، می‌نویسد: «در بین عده‌ای از افراد بازاری شایع است، آیه الله خمینی علاوه بر تألیف کتاب کشف اسرار، دو کتاب دیگر یکی به نام «انقلاب سرخ» و دیگری «انقلاب سیاه» بر وزن کتاب انقلاب سفید تألیف نموده است و در نجف نیز به چاپ رسانیده و اکثر ژائرینی که به عراق بروند و یا در مسیر از عراق عبور کنند، کتب مزبور را تهیه و با خود به ایران می‌آورند.» (۲۱)

۲-۱-۵. به چالش کشیدن روحانیون سیاست‌گریز: در زمان حضور آیه الله حائری، امام خمینی (ره) نه از موضع رهبری بلکه از موضع فردی مذهبی، معتقد به تفکیک ناپذیری دیانت از سیاست بوده است، و علی‌رغم داشتن نظرات سیاسی که گاه آن را با استادان و دوستان خود مطرح می‌کرد، خود را تابع ریاست حوزه می‌دانست و از آنچه ریاست حوزه انتظار داشت، گامی فراتر بر نمی‌داشت. همچنین تازمانی که علمای باسابقه‌تری همچون شهید مدرس و مرحوم کاشانی در صحنه‌های سیاسی کشور حضور داشتند، ایشان حمایت از افکار آنان را وظیفه خود می‌دانست، اما پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال کشور توسط متفقین، متوجه شدند که سیاست‌گریزی برای بسیاری از علما به صورت ارزش درآمده است، لذا نگارش کتاب کشف اسرار را از این زاویه نیز باید مورد توجه قرار داد، چنانچه وقتی کتاب منتشر شد، بی‌آنکه روحانیون سیاست‌گریز را به واکنش منفی علیه سیاسی شدن علمای حوزه بکشاند، آنان به حمایت از این کتاب، اقدام کردند و به شاگردان خود توصیه می‌نمودند، آن را بخوانند و حمایت آنان از چنین کتابی یک گام مهم برای ورود دوباره علما به سیاست بود. (۲۲)

۲-۱-۶. سند مبارزاتی امام: هنر امام در سیاست آن بود که میدانست باید چه موضوعاتی را از چه وجوهی پردازد تا با کمترین چالش بین خودی‌ها، عدم مشروعیت اجنبی و رژیم وابسته به آن را به چالش جدی بکشاند، لذا یکی از مهم‌ترین اسناد مبارزاتی امام با رژیم پهلوی، کتاب کشف اسرار است که به وضوح، عدم مشروعیت چنین رژیمی را بیان داشته است. در سندی از ساواک آمده است، "به علوم جدید و سیاست روز هم آشنایی زیادی دارد و در سال‌های ۲۳ و ۲۴ کتابی علیه اعلیحضرت فقید نوشته است. همیشه اهل مبارزه و سیاست بوده، پنج سال قبل (از تاریخ ۱۳۴۲) رساله نوشته و در مقام مرجع تقلید قرار گرفته و پیروانی هم داشته است." (۲۳) در سند دیگری به تاریخ ۲۳/۵/۲۵۳۷ (که به تاریخ شاهنشاهی نگاشته شده است) سی و چهار مورد از اقدامات و فعالیت‌های خلاف مصالح مملکتی روح الله خمینی، ذکر شده است که در مورد ۱۸ آن، آمده است: "نامبرده در یکی از تألیفات خود به نام کشف اسرار مطالبی علیه رژیم ایران، نوشته

است. (۲۴) اطلاعیه‌ای به تاریخ ۴۵/۶/۲۴ حاکی است که طبق اطلاع واصله از تهران، اخیراً کتاب کشف اسرار نوشته خمینی، چاپ بغداد، مخفیانه در دسترس علما گذاشته می‌شود. (۲۵) و فروش کتاب‌های حکومت اسلامی و کشف اسرار امام در اصفهان نمونه‌ای از فعالیت‌های طرفداران امام به شمار می‌آید. (۲۶) ساواک، حتی مشخصات کامل مغازه‌هایی را که به فروش کتب امام مبادرت می‌ورزیدند، به اطلاع مافوق خود می‌رساند. (۲۷)

۲-۱-۷. پاسخ‌گویی به شبهات: به دلیل شرایط بد امنیتی، نامه‌هایی را که امام خمینی، برای افراد می‌فرستادند و هم چنین نامه‌هایی که افراد برای امام می‌فرستادند، با اسم مستعار بوده است. در تاریخ ۵۳/۳/۱ نامه‌ای درباره زندگی نامه امام خمینی (ره) به نام سید محمد موسوی - که نام مستعار آقای سید جواد مهری است - به کویت ارسال می‌گردد. در قسمتی از بخش دوم این زندگی نامه امام آمده است: «از آنجا که معظم له در علوم عقلیه، فرد شاخص و منحصر به فرد حوزه علمیه قم بودند، تنها پاسخ‌گوی مشکلات و شبهات عقلی نسبت به اسلام به شمار می‌رفتند و اگر کسی نسبت به مسائل دینی، اشکالی داشت و برای حل آن به قم مراجعه کرد - با اینکه علماء زبردست و طراز اول مانند مرحوم آیه الله خوانساری را به حضور امام خمینی راهنمایی می‌کردند... و آنروز که کتاب سفسطه آمیز «اسرار هزار ساله» منتشر شد، نظر به اینکه مطالب کتاب، مربوط به مسائل عقلی بود، برای رد آن از طرف علماء قم، به معظم له مراجعه شد و با اینکه مدتی بود به درد چشم مبتلا بودند، قادر به مطالعه و نوشتن نبودند، به ایشان اصرار شد که به نحوی هست به این کتاب منحرف جواب گویند. شگفت‌آور اینکه وقتی معظم له در مقام نوشتن رد آن کتاب برآمد و کشف اسرار را تألیف فرمود، به طور اسرار آمیزی، درد چشم برطرف شد، به طوری که گویا اصلاً عارضه‌ای وجود نداشته است. (۲۸)

۲-۱-۸. علت آزاد گذاشتن چاپ کتاب: فضای عمومی ایران در اواخر سال ۵۶ و ذکر نام امام در هر تجمع و از سوی دیگر ناتوانی دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی در جلوگیری از چاپ رساله و تألیفات امام، برخی کارشناسان ساواک را به این نتیجه رساند که در این خصوص تجدید نظر کنند. سندی در تاریخ ۵۶/۱۱/۸ حاوی نظر کارشناسی مبنی بر آزاد گذاشتن چاپ کتاب کشف اسرار و رساله امام است، با این توجیه که کتاب کشف اسرار از نظر تحلیلی، سطحی و از نظر هر روشنفکری مردود است و توضیح المسائل ایشان نیز تفاوتی با دیگر رساله‌ها ندارد. (۲۹)

۲-۱-۹. بی‌اعتبار خواندن کتاب توسط رژیم: اتهام ارتجاعی بودن به نهضت‌های اصیل دینی، یکی از شگردهای همیشگی عوامل رژیم پهلوی بوده است که هر گاه با احکام نورانی اسلام مواجه می‌شدند، با برچسب ارتجاعی و عقب افتاده، سعی می‌کردند اندیشه‌های نجاتبخش اسلامی را در نظر جامعه «مشوّه و تاریک» جلوه دهند.

در یکی از اسناد ساواک آمده است: «خمینی در سال‌های دهه ۷۰ - ۱۳۶۰ قمری کتابی به نام

کشف اسرار نوشته است که مطالبی درباره کشف حجاب نحوه تشکیل دولت و از این قبیل دارد. این کتاب از نظر تحلیلی، بسیار سطحی و از نظرات کهنه و فتووالی می‌باشد و امروز از نظر هر روشنفکری می‌تواند مردود باشد و همینطور توضیح المسائل وی که با دیگر توضیح المسائل‌ها تفاوتی از نظر مباحث و فتاوی ندارد، در حالی که توقیف آن باعث بزرگ شدن وی و اهمیت پیدا کردن این رساله نزد خیلی‌ها شده است. در صورتی که عرضه آن به تدریج به مردم حالی خواهد کرد که او هم از قماش همان آخوندهای دیگر است و بس و نکته این است که با مراجعه به این کتابها، چنانچه قبلاً صلاح بر نشر آنها باشد، در معرفی نظرات ارتجاعی وی مخصوصاً به روشنفکران، بی‌تأثیر نخواهد بود.»

در واقع دفاع از اسلام و احکام آن که در کتاب امام آمده است، از دید مأمورین ساواک، ارتجاعی، سطحی و کهنه و فتووالی بوده است که از دید روشنفکران غربزده (که ارتجاعی‌ترین مقررات ضد زن و حقوق انسانی را دارند) مردود است. این فخر امام بود که با تکیه بر اصالت‌های اسلام، انقلاب خویش را علیه ارتجاع وابسته به غرب سامان داد و دست‌آیدی غرب را از کشور ایران قطع کرد. (۳۰)

۲-۱-۱۰. هدف از جمع‌آوری کتاب: سر تیپ مقدم درباره این کتاب می‌گوید: در سال ۴۳ این کتاب در ساواک مورد بررسی (قرار گرفت) و چون طرفداران خمینی، تبلیغاتی روی این کتاب می‌نمودند، لذا نه از لحاظ مضرّه بودن این کتاب، بلکه از لحاظ اینکه روی خمینی تبلیغ می‌گردید، با شهربانی کل کشور مکاتبه (شد) تا کتاب مذکور را جمع‌آوری نمایند. (۳۱)

۲-۱-۱۱. چگونگی ارتباط با چاپخانه و کتابفروشی‌های مرتبط با کتب امام: ساواک از هر گونه اقدام مستقیمی که منجر به شناسایی منبع شود، خودداری کرد. منبع، فرد جاسوسی بوده که برای ساواک کار می‌کرده است. مثلاً در دستور مقامات ساواک آمده است که به منبع آموزش داده شود تا با تماس دائم با خریدار و فروشنده سعی نماید، محل چاپ کتاب مزبور را تعیین نماید. (۳۲)

۲-۲. بررسی تأثیر کتاب بر اساس اسناد شهربانی: بطور کلی مجموع اسناد شهربانی که در مورد فعالیت‌های امام خمینی است حدود یک سوم اسناد ساواک می‌باشد. برای نمونه به یک مورد اشاره می‌شود:

در مورد چاپ و انتشار کتاب مذکور در تبریز، از اداره دوم مورخ ۱۳۴۵/۲/۳ اطلاعیه‌ای به این مضمون می‌رسد: «حاج میر رحیم فردوسی.... اظهار می‌داشته: کتاب کشف اسرار.... هم اکنون در بازار به فروش می‌رسد و این کتاب در کتابفروشی حقیقت واقع در بازار شیشه‌گر خانه و کتابفروشی سروش به مبلغ دویست ریال به آشنایان فروخته می‌شود. اگر آشنایی کامل با این کتابفروشی‌ها داشته باشید، می‌توانید کتاب مزبور را خریداری نمایید، از این راه هم کمکی به بودجه نهضت می‌شود و هم دارای یک کتاب عالی خواهید شد.» (۳۳)

نتیجه گیری:

کتاب کشف اسرار امام خمینی، با توجه به جایگاه مرجعیت ایشان و رهبری انقلاب اسلامی ایران و با در نظر گرفتن این حقیقت که برای فهم اندیشه سیاسی یک دانشمند، تمام آثار مرتبط وی باید بررسی شود، دارای جایگاه بس عظیمی است. گرچه پرداختن به محتوای این اثر گرانقدر، خود نیازمند مقاله و یا کتاب دیگری می باشد و هدف ما در این نوشتار ایضاً تأثیر این کتاب در تاریخ معاصر ایران بود، ولی باید دانست می توان با دسته بندی و تبویب ردیه ها و جوابهای امام به سؤالات و شبهات حکمی زاده، این کتاب ارزشمند را در سطح مردم و خواص بیش از پیش مطرح نمود و بر عمق اندیشه سیاسی امام خمینی، با استناد به مباحث موجود در این کتاب ذیل عناوین امامت، روحانی، حکومت و عناوین فرعی مثل ولایت فقیه، به طور مستند تأکید ورزید. لازم به ذکر است دکتر مرزبان توانگر در کتاب ناآگاهی و پوسیدگی به نقد کتاب کشف اسرار امام پرداخته است و در آن از هیچ گونه تمسخر و تهمت نسبت به امام خمینی (ره) اجتناب نورزیده است. بررسی نقد توانگر به جوابهای امام به حکمی زاده، به خود موضوع تحقیق دیگری است که در آینده باید روشن شود.

از آنجا که این نوشتار با دید تاریخی به کتاب امام نگریسته است، جایگاه و تأثیر آن با استناد به اسناد مدارک سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) و شهربانی مورد ارزیابی قرار گرفته و لیکن موضوعات محتوایی نظیر بررسی قاعده الزام در سیر تفکر اندیشه امام و یا قدمت نظریه ولایت فقیه در تفکر سیاسی امام، از مباحث بسیار ضروری در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می باشد.

از دید تاریخی، گرچه این کتاب نزد هر کسی می بود، جرم محسوب می شد و ضمن کمبود شدید کتاب، حفظ و فروش آن نیز بسیار سخت بود ولی پیروان امام با ذکاوت و همت بالا به حفظ و توزیع آن پرداختند و این کتاب را که به عنوان نیاز فکری جامعه بود و به پاسخ گویی شبهات دینی می پرداخت، به عنوان سند مبارزاتی حضرت امام خمینی مطرح کردند. در مقابل، رژیم پهلوی برای خاموش کردن این شعله نیز مبارزات منفی و مثبتی انجام می داد. از جمله اینکه ابتدا، علاوه بر آنکه، نویسنده کشف اسرار را مجرم خواند و خرید و فروش آن را جرم دانست، این کتاب را بی اعتبار، بسیار سطحی و دارای نظرات کهنه و فتووالی تبلیغ می کرد، هم چنین پس از ناتوانی در جلوگیری از چاپ تألیفات امام، در سال ۱۳۵۸ هـ ش، چاپ آن را آزاد اعلام کرد.

در آخر به تمام پژوهشگران اندیشه امام خمینی پیشنهاد می شود، با مطالعه دقیق جزوه اسرار هزار ساله و جوابهای امام در کشف اسرار، عمق اندیشه امام را بهتر درک کنند.

۱. نویسنده کتاب بررسی و تحلیلی از انضمت امام خمینی، زمان تألیف کتاب را پس از شهریور ۱۳۲۰ می‌داند. (روحانی، ۱۳۵۹، ص ۸۲) آقای توانگر نیز که با زبانی اهانت آلود و توهین آمیز به نقد کتاب کشف اسرار امام خمینی پرداخته است، در مورد تاریخ تحریر کتاب، اینچنین می‌نویسد: در کتاب به مناسبتی و برای تمثیلی سخن از گرانی و نایابی کالاها می‌شود و وابستگی این مطلب به آثار جنگ (ص ۸۶) و چون نویسنده موضوع را به شکل امری در زمان حال بیان می‌دارد، می‌توان استنتاج کرد که کتاب در سال‌های جنگ جهانی دوم - یعنی بین سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ هـ ش - به رشته تحریر درآمده است. در جایی دیگر (ص ۱۹۳) از کشف اسرار می‌نویسد:

«... الان، مرجع تقلید شیعه آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی، (دام ظلّه) است... چون مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی (از ۱۲۸۴ تا ۱۳۶۵ هـ ق) در سال ۱۳۲۴ درگذشته است، یقین است که کتاب کشف الاسرار پیش از پایان سال ۱۳۲۴ هـ ش نگاشته شده بوده است. اشاراتی دیگر نیز در متن یافت می‌شود که ابتدا و انتهای زمان احتمالی تحریر کتاب را روشنتر و مشخص‌تر می‌سازد و آن این است که (امام) خمینی (در ص ۱۸۱ می‌نویسد: چهارده دوره انتخابات ایران ما گذشته و...) آن دوره تقنینی از مجلس شورای ملی را که در زمان نوشتن کتابش بوده است، دوره چهاردهم ذکر می‌کند. چون این دوره از ۱۳۲۲/۱۲/۶ هـ ش آغاز می‌شود و در ۱۳۲۴/۱۲/۲۰ هـ ش پایان می‌یابد، پس کتاب موضوع سخن ما نیز به قطع و یقین در این فاصله دو ساله نوشته شده است. (توانگر، ۱۳۶۹، صص ۲۱ و ۲۰).

۲. در این کتاب، امام، هیچ نامی از حکمی زاده نمی‌برد، تا مسأله، جنبه شخصی به خود نگردد. او به یک تفکر می‌تازد و از سوی دیگر اجازه نمی‌دهد که کتاب با نام او منتشر شود. ایشان بعدها می‌گوید: «من اسمم را ننوشتم چون نمی‌خواستم معروف بشوم، ولی عکس آن شد». و این تواضع خود موجب محبوبیت بیشتر امام خمینی (ره) در میان طلاب و علما گردید. (باقی، شهروند امروز، ص ۵۵).

۳. تحریم آنچه در دست دولت‌ها و رژیم‌های ضد استعماری است که به عنوان مبارزه منفی تلقی می‌شود، اگر با مبارزات مثبت مردمی همراه باشد، می‌تواند در پیشبرد جنبش و مبارزه نقش به سزایی ایفا کند. لیکن مبارزه را در آن خلاصه کردن، آن هم در شرایطی که رژیم‌ها، تمام زندگی مردم و نیازمندی‌های عمومی را در دست خود دارند، علاوه بر آنکه عملی نیست نمی‌تواند مؤثر باشد.

منابع

الف: کتب

- ۱- اخوان کاظمی، بهرام، قدمت و تداوم نظریه ولایت مطلقه فقیه از دیدگاه امام خمینی، دفتر مطالعات و بررسی‌های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۲- انصاری، حمید، حدیث بیداری، (نگاهی به زندگینامه‌ی آرمانی، علمی و سیاسی امام خمینی) از تولد تا رحلت، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۶.
- ۳- توانگر، مرزبان، ناگاهی و پوسیدگی، سیری در نوشته‌های سید روح الله خمینی، کتاب نخست کشف اسرار، لندن، نوآوران، ۱۳۶۹، قابل دسترسی در سایت: www.Org.flag.own.My
- ۴- حسینیان، روح الله، چهار سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۳.
- ۵- خواجه سروی، غلامرضا، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۶- روحانی، سیدحمید، تحلیل و بررسی از نهضت امام خمینی، راه امام، ۱۳۵۹، چاپ ششم، جلد اول.
- ۷- سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۸- سیر مبارزات امام خمینی به روایت اسناد شهربانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۳، جلد سوم.
- ۹- لک زایی، نجف، سیر تطوّر تفکر سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۰- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۷۹، جلد‌های ۳ و ۴ و ۷ و ۸.
- ۱۱- موسوی خمینی، سید روح الله، کشف اسرار، بی جا، بی تا.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، صدرا، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۹، جلد دوم (یادداشت‌ها)
- ب: مقالات
- ۱۳- باقی، عماد الدین، خرداد ۱۳۸۷ - اسرار کشف اسرار، ماهنامه شهروند امروز، ش ۴۹ - ص ۵۵ قابل دسترسی در سایت: Com.shahrrandemronz.www
- ۱۴- حکمی زاده، علی اکبر، اسرار هزار ساله، هفته نامه پرچم، تهران، شماره ۱۲، ۱۳۲۲، قابل دسترسی در سایت: www.Com.online-Talash
- ۱۵- گنگتگو یا دکتر نجف لک زایی، فلسفه سیاسی متعالیه، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ش ۳۳، خرداد ماه ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نمایه.

- پی‌نوشت‌ها:
- ۱- انصاری، حمید، حدیث بیداری، (نگاهی به زندگی‌نامه‌ی آرمانی، علمی و سیاسی امام خمینی) از تولد تا رحلت، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سی و دوم، ۱۳۸۶. ص ۲۱۲
 - ۲- همان، ص ۴
 - ۳- همان، صص ۲۲۹-۲۰۶
 - ۴- خواجه سروی، غلامرضا، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲. صص ۱۸۴-۱۸۳
 - ۵- روحانی، سیدحمید، تحلیل و بررسی از نهضت امام خمینی، راه امام، ۱۳۵۹، چاپ ششم، جلد اول. ص ۸۲
 - ۶- اخوان کاظمی، بهرام، قدمت و تداوم نظریه ولایت مطلقه فقیه از دیدگاه امام خمینی، دفتر مطالعات و بررسی‌های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۷۷. ص ۶۳
 - ۷- همان، ص ۸۲
 - ۸- روحانی، سیدحمید، تحلیل و بررسی از نهضت امام خمینی، راه امام، ۱۳۵۹، چاپ ششم، جلد اول. صص ۹۴-۹۵
 - ۹- باقی، عمادالدین، خرداد ۱۳۸۷ - اسرار کشف اسرار، ماهنامه شهروند امروز، ش ۴۹ - ص ۵۵ قابل دسترسی در سایت: www.com.shahrandemronz
 - ۱۰- حکمی زاده، علی اکبر، اسرار هزار ساله، هفته نامه پرچم، تهران، شماره ۱۲، ۱۳۲۲، قابل دسترسی در سایت: www.com.online-Talash ص ۴۷
 - ۱۱- حکمی زاده، علی اکبر، اسرار هزار ساله، هفته نامه پرچم، تهران، شماره ۱۲، ۱۳۲۲، قابل دسترسی در سایت: www.com.online-Talash ص ۴۷
 - ۱۲- همان، ص ۱۱
 - ۱۳- همان، ص ۲۵
 - ۱۴- همان، ص ۲۳
 - ۱۵- لک زایی، نجف، سیر تطوّر تفکر سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳. ص ۱۲۸
 - ۱۶- لک زایی، نجف، سیر تطوّر تفکر سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳. صص ۶۹-۷۰
 - ۱۷- لک زایی، نجف، سیر تطوّر تفکر سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳. صص ۹۰-۸۷
 - ۱۸- سیر مبارزات امام خمینی در آینه استاد به روایت ساواک، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۶. صص ۲۵ و ۴۳۵
 - ۱۹- همان، ج ۱۶، ص ۴۴۹
 - ۲۰- همان، ج ۱۶، ص ۴۵۵
 - ۲۱- همان، ج ۱۸، صص ۵۰۵ و ۵۰۲
 - ۲۲- همان، ج ۱، ص ۳۴
 - ۲۳- همان، ج ۲، ص ۲۱۹
 - ۲۴- همان، ج ۸، ص ۳۰۷
 - ۲۵- همان، ج ۹، ص ۳۴